

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ اکتوبر ۲۰۱۸

## مباشر خان و بادنجان

**چهارشنبه- ۲۵ میزان ۱۳۹۷ - کابل:** شما هم یقیناً داستان مباشر خان و بادنجان را شنیده اید که چگونه مباشر با تغییر عقیده خان راجع به بادنجان، یک بار آن را از غذا های بهشتی بالاتر برد و بار دیگر هرچه لعن و نفرین بلد بود حواله بادنجان نمود و وقتی از وی پرسیدند که جناب مباشر، همین چند دقیقه قبل تو بادنجان را به عرش اعلی بردی و اینک در اسفل السافلین بیل می زنی که از آن هم پائنتر ببری، دلیل این تناقض گوئی چیست؟ مباشر که تا آنزمان خرده شرافتی در وی باقیمانده بود، با صراحت گفت: "ببیدارا، مه نوکر خان هستم، نه نوکر بانجان. اگر خانصاحب بانجانه خوب گفت خوب میگوم، اگه بد گفت بد میگوم" مصداق کامل این داستان را انسان در عملکرد "گلبدین" به مثابه مباشر خان اما فاقد وجدان و شرافت، به وضاحت دیده می تواند. چنانچه:

۱- اگر به خاطر تان مانده باشد همین چندروز قبل یعنی به تاریخ ۲۱ میزان و یک روز بعد از به وجود آمدن باندی به نام "مجمع بزرگ وحدت ملی" توسط "ISI" زیر نظر "گلبدین"، نامبرده اعلام داشت که راه حل معضل افغانستان انتخابات تقابلی نه، بلکه اعلام یک حکومت موقت است.

۲- امروز دقیقاً ۴ روز بعد، همین "گلبدین" در کنفرانس مشترکی با اعضای به اصطلاح "شورای عالی صلح" مجدداً اعلام داشت که راه حل معضل افغانستان، تشکیل حکومت موقت نه، بلکه شرکت در انتخابات است. وی در این مورد یک گام جلوتر گذاشته به طالب هم توصیه نمود، که راه حل نه ادامه جنگ و نه تشکیل حکومت موقت است، بلکه شرکت در انتخابات و از آن طریق شرکت در حاکمیت است.

۳- این که در زندگانی شخصی و در دنیای سیاست انسان و یا انسانهایی نظرات شان را تغییر دهند و بر اشتباهات شان پافشاری نکنند نه تنها امر بدی نیست بلکه می تواند نشانه بلوغ فردی و یا سیاسی آن فرد و حزب و نهاد به شما برود، مگر در این میانه افراد دور ویر فرد و یا هم مردم در کل این حق را دارند بپرسند:

"آقا، علت این که تو ظرف ۴ روز چنان تغییر عقیده داده ای چیست؟" هرگاه طرف جواب نگوید مردم حق دارند خود بگویند، این تغییر عقیده می تواند ناشی از چند علت باشد:

الف- فرد گوینده از خود دارای رأی نیست، طوطی دست آموز سیاست و یا همان نوکر خان است. هرچه استادان و بادرانش در دهانش بگذارند همان را نشخوار می کند، می خواهد تعریف از بادنجان باشد یا مذمت آن.

ب- گوینده انسان معامله گریست که از طریق موضعگیری های متناقض، پول دریافت می دارد. یعنی وقتی پول کافی در اختیارش نگذارند، می رود و مواضع حریف حاکمیت را تقویت می کند، وقتی پول مورد تقاضایش را دریافت داشت، بر می گردد به موضع حاکمیت.

پ- گوینده حین ادای موضعگیری اول، انتظارات خامی داشته که اگر "حکومت موقت" تشکیل یابد، شاید خود شخصاً در رأس آن گماشته شود، از همین رو برای حکومت موقت دست بلند می نماید اما در جریان ۴ روز مطلع می شود که در صورت تشکیل حکومت موقت، حریفان و حتا دشمنانش دست بالا خواهند یافت، بر می گردد به موضع اولی و نفی حکومت موقت.

هموطنان گرامی!

شما چه فکر می کنید که دلیل "ملاق" -معلق- های سیاسی "گلبدین" کدام یک از اینهاست، به نظر من "گلبدین" "عاقلتر" از آن است که کاری را صرف به یک دلیل انجام دهد؛ از همین رو می تواند هر سه عامل و چه بسا عوامل دیگری نیز در این ملاق های سیاسی وی دخیل باشد.

هموطنان گرامی!

این که "گلبدین" ها با تمام جنایات و خیانت هائی که بالای مردم و در حق کشور انجام داده اند، هنوز هم به خود حق می دهند تا بیابند و بر سرنوشت تمام ملت نظر دهند، امید از من آزردن نشوی وقتی می نویسم: گستاخی و دیده درائی "گلبدین" ها، برخاسته از جبن و برخورد منفعلانه من و تو است، اگر ما مصممانه پای به میدان مبارزه بگذاریم مطمئن باش که این توله سگان استعمار و ارتجاع به جای زوزه های گوشخراش، باز هم به مخفیگاه های شان پناه خواهند برد.

**سرکها ما را می طلبد!!**